



Explaining the Theoretical Model for the Role of Architecture in Enhancing the Physical Qualities of Public Spaces as Contemporary Urban Heritage

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Study

Authors

Hamed Abedini¹
Simon Ayyazian^{2*}
Darab Diba³

How to cite this article

Mof

URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-74295-fa.html>

ABSTRACT

Aims: As an urban component, architecture has continuously played an effective role in the quality of Urban public spaces and the promotion of civility in them, which has diminished in recent decades due to reasons such as the dominance of the economic dimension of space and the culture of consumerism. This study tries to present a theoretical model to explain the position of architecture in improving the physical qualities of urban public spaces.

Methods: The present study examines the cause-and-effect between architectural elements and the physical qualities of public space in the form of positivist paradigm logic and presents a coherent theoretical plan in this connection using a descriptive-analytical method.

Findings: The physical system of the city is studied in three scales: macro, medium, and micro. The micro-scale is related to how architecture plays a role in the physical quality of public spaces. This role of architecture is realized through five general categories of physical elements, i.e. body, mass and dialectical space inside and outside, size of space, and components of space, which directly affects three general categories of physical qualities of public spaces, i.e. the nature of elements (accessibility and flexibility), relationships between elements (confinement, continuity, mobility) and sequencing (sequence, hierarchy, and contrast).

Conclusion: I Architecture and urban public space are two important contemporary urban heritages. The expression of the city's identity depends on establishing a proportional and correct ratio between the physical system of architecture and the quality of social life in the city.

Keywords: Contemporary Urban Heritage, Contemporary Architecture Heritage, City Spatial Organization, Public Space, Urban Architecture, Physical Quality.

CITATION LINKS

1-Ph.D. Candidate in Architecture, Faculty of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran

2-Professor of Architecture Department, Faculty of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran.

3.Professor of Architecture Department, Faculty of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran.

*Correspondence

Address: Department, Faculty of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran.

Email: ayvasimon@yahoo.com

Article History

Received:2024.

Accepted:2024.

Published: 2024.

[1]. Pourzargar M, Abedini H, and Etemadi A. The Contribution....[2]. Zamanifard H, Alizadeh T, and Bosman C. Towards.....[3]. Rezadoost Dezfali R, Mehrakizadeh M. and Safar Ali Najari....[4]. Bolandian M M, and Naseri S. Urban Concept.....[5]. Karimian H, and Mousavinia S M. The Agora and its.... Asadi H, and Abedini H. Studying the Impact of Multi.....[7]. Habermas, J. The structural transformation of the public.....[8]. Imani N, and Arab Solghar N. The Conceptual Framework.....[9]. Cherfaoui D. and Djelal N. Assessing the flexibility of public.....[10]. Ghanbari A, and Eshlaghi M. Geographical Approach to the Promise.....[11]. Mansouri R, Afrasiabian S. Reunderstanding modern.....[12]. Zandieh M, Mahdavejad M. Post-Corona Design.....[13]. Mansouri S, Mohammadzadeh, S. The Changes of Tabriz.....[14]. Abedini H, and Ayyazian S. An Analysis of the.....[15]. Bahrami F, and Atashinbar M. Evolution[16]. Mehan A. Manifestation of Modernity in Iranian Public Squares.....[17]. Ghobadian V, and Rezaei M. The First Modern Square.....



تبیین مدل نظری جایگاه معماری در ارتقاء کیفیت های کالبدی فضاهای عمومی به مثابه میراث شهری معاصر

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق بنیادی

نویسندگان

حامد عابدینی^۱
سیمون آیوازیان^{۲*}
داراب دبیا^۳

اهداف: فضاهای عمومی شهری که در تجربه های قرن اخیر شهرسازی ایران شکل گرفته اند، بخشی از حافظه تمدنی معاصر و بستر زیست اجتماعی شهری پس از تحولات مدرنیته هستند. معماری به عنوان یک مؤلفه شهری، پیوسته جایگاهی مؤثر بر کیفیت فضاهای عمومی و ارتقاء مدنیت در آن ها داشته که در دهه های اخیر به دلایلی نظیر غلبه بعد اقتصادی فضا و فرهنگ مصرف گرایی، این نقش کمرنگ شده است. هدف این پژوهش ارائه مدلی نظری در جهت تبیین جایگاه معماری در ارتقاء کیفیت های کالبدی فضاهای عمومی است

روش ها: پژوهش در قالب منطق پارادایمی اثبات گرایی، رابطه علت و معلولی میان عناصر معماری و کیفیت های کالبدی فضای عمومی را بررسی کرده و با روشی توصیفی-تحلیلی به ارائه طرح نظری منسجم در این ارتباط می پردازد.

یافته ها: نظام کالبدی شهر در سه مقیاس کلان، میانی و خرد مورد خوانش قرار می گیرد. مقیاس خرد مربوط به چگونگی ایفای نقش معماری در کیفیت کالبدی فضاهای عمومی است. این نقش معماری از طریق پنج دسته کلی از عناصر کالبدی یعنی پیکره، توده و فضا دیالکتیک درون و بیرون، اندازه فضا، و مؤلفه های فضا صورت پذیرفته که به طور مستقیم بر سه دسته کلی از کیفیت های کالبدی فضاهای عمومی یعنی ماهیت عناصر (دسترسی و انعطاف پذیری)، روابط میان عناصر (محسوسیت، پیوستگی، تحرک) و سکانس بندی (توالی، سلسله مراتب، و تضاد و تباین) تأثیر می گذارد.

نتیجه گیری: معماری و فضای عمومی دو میراث مهم شهری معاصر هستند که در نظامی هم پیوند بر یکدیگر تأثیر گذارند. بیان هویت شهر، در گرو برقراری نسبتی متناسب و صحیح بین نظام کالبدی معماری و کیفیت زیست اجتماعی در شهر است.

کلیدواژه ها: میراث شهری معاصر، میراث معماری معاصر، سازمان فضایی شهر، فضای عمومی، معماری شهری، کیفیت های کالبدی

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.
۲*. استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
۳. استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

نویسنده مسئول *

ayvasimon@yahoo.com

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:
تاریخ پذیرش:
تاریخ انتشار:

ارجاع دهی

مفر

URL: <http://b>

مقدمه

شهر مهم‌ترین فراورده تمدنی بشر و بستر زیست اجتماعی و فرهنگی است که از طریق برهم‌کنش نیروهای درونی و بیرونی میان اجتماع شهرنشین، سازمان کالبدی-فضایی و نظام‌های برساننده پدید می‌آید. امر عمومی و حیات مدنی مهم‌ترین آرمان شهرها قلمداد می‌شود و این موضوع شناخت آن را نیازمند نگاهی چندوجهی کرده است. مواجهه با شهر اگر جنبه انسانی فضا و غنای زندگی را نادیده انگارد، ازهم‌پاشیدگی سازمان فضایی در عرصه عمومی را به همراه داشته و با سرایت یافتن به جامعه، فضا در بازنمایی کنش‌های اجتماعی و تحقق رخدادهای جمعی ناتوان می‌گردد. به مفهوم کلی شهر مخزن حیات است و ایستایی و عدم هماهنگی آن با جامعه، رشته-های این حیات را قطع می‌کند. [3-1] بر همین مبنا شهر در هر دوره تاریخی به‌مثابه میراث تمدنی آن عصر قلمداد شده که می‌بایست در فهم هویتی هر سرزمین موردتوجه قرار گیرد. دوران معاصر نیز به‌واسطه تحولات و مفاهیم جدیدی که ماحصل عصر مدرنیته به بعد است، گونه تازه‌ای از نظام شهری را پدید آورد که ارزش‌های معاصر را متجلی می‌ساخته است. از میان بخش‌های مختلف یک شهر، فضاهای عمومی که بستر اصلی جاری شدن مدنیت در هر شهر هستند، به‌مثابه مهم‌ترین نمود ارزش‌های اجتماعی و میراث شهری هر تمدن مطرح می‌گردند. در طول تاریخ شهرنشینی انسان، فضاهای عمومی بیشترین اهمیت را در توسعه نظام‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته‌اند، آگورا یونانی، فروم رومی، مراکز تجاری قرون وسطی، و میادین عصر رنسانسی از مهم‌ترین مصادیق این قبیل فضاها می‌باشند [1-5]. به تعبیر بسیاری از متخصصین حوزه شهر، فضای عمومی مهم‌ترین عرصه جاری شدن دموکراسی و جزئی از حوزه عمومی است [6-10]. فضاهای عمومی در سازمان فضایی شهر سنتی ایرانی نیز غالباً در میادین، بازارها، گذرهای تاریخی و اماکن عمومی نظیر مساجد تعیین می‌یافتند [11-13]. این فضاها در یک پیکره‌بندی منسجم و بر اساس نظام سلسله‌مراتب به نیازهای مختلف ساکنین شهر پاسخ داده و فضای تعاملات اجتماعی و مدنی را با سطح بالایی از کنشگری تأمین می‌کردند [14]. در شهرهای ایرانی با توسعه مدرنیستی از نیمه قاجار و اوایل پهلوی، فضاهای عمومی دچار دگردیسی شده و همسو با سایر

مظاهر شهر نوین، صورت‌های گوناگونی از آن در کنار تجربیات تاریخی ظهور می‌یابد. خیابان‌ها به‌عنوان اساس توسعه مدرنیزاسیون شهرهای ایرانی یکی از بااهمیت‌ترین فضاهای عمومی به شمار می‌رفته است [1، 15]. همچنین میدان‌های شهری با کاربری‌های مدرن برخلاف شکل سنتی آن، زیست اجتماعی شهری نوینی را به دنبال داشته است [16-17]. این ساختار جدید فضاهای عمومی علیرغم اینکه با بخشی از تجربه‌های زیستی شهروندان هماهنگ نبوده و تغییراتی در نوع رفتارهای سنتی اجتماعی پدید آورد که در مواردی تناسبی با شرایط فرهنگی زمینه نداشت، در طول یک قرن اخیر روح شهرهای ایران را تحت تأثیر قرار داده و به‌مانند میراثی از زندگی معاصر جامعه ایرانی قلمداد می‌شود. بر همین اساس بررسی و شناخت ماهیت این قبیل فضاها در جهت ارتقاء زیست اجتماعی شهروندان از مهم‌ترین رویکردهای توسعه پایدار شهری در سال‌های اخیر بوده است. شناخت و تحلیل فضاهای عمومی نیازمند در نظر گرفتن ابعاد مختلف آن نظیر کالبد، فعالیت، معنا و جامعه است. دراین‌بین، بعد کالبدی به‌واسطه اهمیتی که در شکل فیزیکی و تشخیص فضای عمومی دارد و ازجمله اولین عواملی است که در ساخت شهر نقش‌آفرینی می‌کند، بسیار موردتوجه است. کالبد اساساً معطوف به موضوعاتی است که شیوه ساخت فیزیکی شهر را مدنظر دارند مانند: تنظیم رابطه میان توده و فضا [18]، موضوع زمینه [19]، ارتباط ساختمان با زمینه [20]، شبکه ارتباطی، ساختمان‌ها و فضای میانشان [21]. از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که بر ماهیت کالبدی فضای عمومی و کیفیات آن مؤثر است نحوه ایفای نقش معماری در شهر است. معماری پدیده‌ای شهری است که به‌واسطه چگونگی بروز و ظهورش کیفیت فضاها در شهر را در رابطه‌ای متقابل تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر بسیاری از ویژگی‌ها و احساس‌ها در محیط شهری و تعاملات اجتماعی، ماحصل رابطه متقابل معماری و فضای عمومی است. اهمیت این موضوع به یکی از محورهای گفتمانی سال‌های اخیر پژوهشگران بدل گشته است. بر این مبنا این پژوهش سعی دارد در کنار تجربیات مطالعاتی صورت گرفته پیرامون موضوع فضای عمومی، نقش مؤلفه معماری را در ارتقا کیفیت‌های کالبدی فضای عمومی که کمتر موردتوجه بوده است را بررسی نموده و به این پرسش

برقراری نسبت کالبدی میان معماری و فضای عمومی شهری پرداخته‌اند. به‌طور نمونه: حیدری و همکاران (۱۴۰۱) با تمرکز بر عوامل تأثیرگذار در پیوستگی درون ماندگار ساختمان و شهر که بعد کالبدی یکی از جنبه موردبررسی آن است، عوامل کالبدی مؤثر بر رابطه معماری و شهر در سه مقیاس کلان، میانی و خرد مطرح کرده‌اند [۳۶]. یگانه و بمانیان (۱۳۹۴) با بررسی ابعاد پیوستگی توده و فضا در عرصه‌های عمومی شهر بر این موضوع تأکید دارند که پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری، تابعی از پیوستگی فضا در ابعاد مختلف کالبدی، فضایی، اجتماعی-فعالیتی و نمادین است [۳۷]. همچنین یگانه (۲۰۲۰) در پژوهش خود به تشریح چگونگی هم‌پیوندی ساختمان و شهر در قالب فضاهای عمومی شهری اشاره و بر تأثیر مکان‌مندی و شکل‌گیری طرح‌واره‌های ذهنی در آن تأکید می‌کند [۳۸]. با تکیه بر این تجربیات مطالعاتی، این پژوهش در امتداد نگرش به موضوع فضاهای عمومی و میراث شهری آن، سعی دارد جایگاه معماری در این قبیل فضاها و کیفیاتی که بر ارتقاء تعاملات اجتماعی و سرزندگی فضای عمومی شهری اثربخش هستند را مورد تبیین و واکاوی قرار دهد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع بنیادین بوده و در تلاش است تا ارتباط نظری معماری با فضای عمومی شهری از منظر ساختار کالبدی شهر را مورد تحلیل قرار دهد. هدف اساسی تحقیق بنیادین آزمون نظریه‌ها، تبیین روابط بین پدیده‌ها و افزودن به مجموعه دانش موجود در یک زمینه خاص است [۳۹]. روش این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که سعی دارد شرایط و یا پدیده‌ای خاص را توصیف کند. معمولاً در تحقیقات توصیفی هدف صرفاً شناخت شرایط موجود یا یاری‌رساندن به فرایند تصمیم‌گیری است. ساختار پژوهش نیز شامل تدوین چارچوب و مدل نظری است. از آنجایی که هدف اصلی از این پژوهش بسط نظری ارتباط معماری و فضای عمومی از منظر نظام کالبدی شهر است، پژوهش با مروری ساختارمند بر منابعی که این ارتباط را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند به دنبال تبیین مدلی نظری است تا ضمن پوشش وجوه مختلف موضوع، ایده‌ای کلی از اصل کنش فعال معماری در شهر را ترسیم نماید. همان‌طور که در ادامه

پاسخ دهد: معماری چه نقشی در ارتقا کیفیات کالبدی فضاهای عمومی به‌مثابه میراث شهری معاصر دارد؟ و این نقش بر اساس چه مؤلفه‌ها و عناصر کالبدی تبیین می‌گردد؟ پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری، به‌طور کلی شهر را در سه بخش مورد بازشناسی قرار می‌دهند؛ فرم شهر و فضاهای شهری به‌مثابه قالب و فعالیت‌ها به‌مثابه محتوا. معماری به‌عنوان جزء اصلی بدنه شهر، با شکل دادن به فضاهای آن سبب جاری شدن سیال فعالیت‌ها از خصوصی-ترین تا عمومی‌ترین فضاها می‌شوند. از این‌رو وابسته به پیچیدگی مفهوم شهر مطالعه معماری در بستر آن نیز امری گسترده است. غالب پژوهشگران ارتباط معماری با شهر را در دو ساختار کلی مورد مطالعه قرار می‌دهند: ساختار اول مربوط به ارتباط معماری با نظام‌های تولید فضا در شهر و جریان زندگی روزمره وجه قالب توجه مطالعه معماری در شهر است. نمونه آن را می‌توان در پژوهش خانی و همکاران (۱۴۰۰) مشاهده نمود که به بررسی تأثیر معماری بر سویه‌های دور زندگی روزمره پرداخته و بیان می‌دارد که معماری از طریق بعد ارزش که همان جنبه فضای بازنمایی زندگی روزمره است موجب تقویت زندگی روزمره درون فضاهای عمومی می‌شود [۲۲]. ایمانی و عرب‌سلغار (۱۳۹۹) نیز به بررسی نسبت فضا و ابعاد جامعه مدنی پرداخته و از خلال آن چارچوب فضای مدنی را در جهت فعل مدنی بر اساس سه بعد شناختی (معنا)، بعد فیزیکی (ساختار)، جنبه تجربی (هدف)، ارائه داده است [۸]. همچنین در این زمینه می‌توان به مطالعات داداش‌پور و یزدانیان [۲۳]، طغریایی و همکاران [۲۴] و حبیبی و برزگر [۲۵] اشاره کرد.

ساختار دوم مطالعه رابطه معماری و فضای عمومی، در چارچوب تئوری طراحی شهری تبیین می‌گردد که از ۱۹۶۰ به بعد به صورت‌بندی رابطه ساختمان و شهر پرداخته‌اند. از این جمله می‌توان به ترانسیک [۱۸]، هدمن [۲۰]، گل [۲۱]، شیروانی [۲۶]، کارمونا [۲۷]، کارمونا و تیزدل [۲۸]، لنگ [۲۹]، تیبالدز [۳۰]، پانتر [۳۱]، ذکاوت [۳۲]، پاکزاد [۳۳]، [۳۴] و گلکار [۳۵]، اشاره کرد. این سویه معطوف به ابعاد مختلفی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ریخت‌شناسی یا کالبد فضاهای عمومی است. در این ارتباط می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره نمود که مستقیماً به مسئله چگونگی

ساختار هویتی و فرهنگی یک جامعه امری ضروری قلمداد می‌گردد.

بر مبنای نسبی بودن و برساختگی مفهوم فضای عمومی، نوع مواجهه با آن به زاویه دید و زمینه فکری تحلیل‌گر و منتقد وابسته است. پایگاه‌های فکری مختلف نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد شهری، حقوق شهری، جغرافیای سیاسی، معماری، و برنامه‌ریزی و طراحی شهری مناقشه‌ای پیوسته بر سر آنچه به مفهوم فضای عمومی معنا می‌بخشد، دارند [۴۸] و مؤلفه‌هایی را جهت تحلیل و بررسی این نوع از فضا مورد تبیین قرار می‌دهند. این موضوع، فضای عمومی را امری پیچیده و محل برداشت‌های گوناگون و بعضاً متناقض کرده است [۴۹]. به‌عبارت دیگر مسئله فضا در حوزه عمومی شهر معطوف به ساختارهای اجتماعی-مکانی زندگی شهری و دارای ابعاد چندگانه و بین‌رشته‌ای است که متأثر از نیروهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شکل گرفته و تحت عاملیت مدیران شهری، طراحان و شهروندان موجودیت می‌یابد [۵۰]. فضای عمومی به‌واسطه آن‌که متأثر از نیروهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مطرح در شهر [۵۱] و برآیند میان آن‌هاست، بین صاحب‌نظران در ارتباط با مفهوم آن اتفاق نظر وجود ندارد. هر پژوهشگر جنبه‌ای خاص از آن را بر سایر وجوه برتری داده و به تعریف فضای عمومی می‌پردازد. این پژوهش نیز ناگزیر از زاویه نگاه طراحی معماری به مسئله فضای عمومی می‌نگرد و بر وجه کالبدی آن‌که توسط مؤلفه معماری تعریف شده، تمرکز دارد. عناصر کالبدی در فضای عمومی به جهت آنکه بعد عینی و ملموسی دارند اولین مؤلفه‌هایی هستند که توسط مخاطبان فضا درک می‌شوند. از این منظر یک فضای عمومی موفق دارای کیفیاتی نظیر: دسترسی، کالبد مناسب، منظر، سازگار بودن فضا، باز بودن فضا، تنوع فعالیت، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع‌پذیری، آسایش و راحتی است. [۴۸، ۵۲-۵۳]

ابعاد مختلف ارتباط معماری با فضای عمومی شهری

معماری به‌مثابه عنصری شهری فراتر از تأمین ضروریات عرصه خصوصی و فضاهای درونی خود، جایگاهی مهم در فضای عمومی داشته که در بخش عمده‌ای از تجارب شهرسازی، به‌واسطه تعارض میان مالکیت شخصی و منفعت عمومی [۵۴-۵۵] نادیده انگاشته شده و بسیاری از محققان بر اصلاح این

پژوهش بدان پرداخته می‌شود مواجهه کالبدی در ساختار پارادایمی اثبات‌گرا معنا پیدا می‌کند. قلمرو خوانش این پارادایم عناصر فیزیکی و حوزه عمل آن پیکره‌بندی کالبدی شهر است. مهم‌ترین نکته در فهم نسبت معماری و فضای عمومی شهری این مسئله است که هر سطح از مواجهه می‌بایست در قالب پارادایمی که سازوکار لازم برای تحلیل و اتخاذ رویکرد کارآمد را دارد، صورت بگیرد. پارادایم اثبات‌گرایی مبتنی بر رهیافت تجربه‌گرایی است که با عاملیت انسان به ماهیت واقعی پدیده‌ها می‌پردازد و تجربه عینی را بر سایر دریافت‌ها اولویت می‌بخشد [۴۰]. با توجه به مکانیسم تجربی بعد کالبدی فضا و تحقق آن در ساحت عینیت، این پارادایم اتخاذ شده است.

فضای عمومی؛ تجلی میراث شهرنشینی معاصر

فضاهای عمومی بهترین نمود و تجلی فرهنگ شهری و میراث شهرنشینی هر سرزمین است. مکانی که مجموعه‌ای از مظاهر تمدنی نظیر روابط اجتماعی، تبادلات تجاری، منازعات سیاسی، سرگرمی‌های جمعی و بخش اصلی خاطره شهری هر فرد را شکل می‌دهد [۴۱-۴۳]. فضای عمومی علاوه بر جایگاه کلیدی که در ساخت کالبدی شهر دارد به‌واسطه فضای ادراکی و اجتماعی حامل میراث تاریخی و فرهنگی جامعه و انتقال‌دهنده ارزش‌های مشترک جمعی و مدنیت شهری است [۴۴-۴۵]. کیفیت فضاهای عمومی نشان‌دهنده کیفیت زندگی شهری است و شهر از طریق فضاهای عمومی ارتباط میان عرصه‌های خصوصی را برقرار ساخته [۴۶] و در جلوگیری از فرایند گسست اجتماعی و فضایی نقش بازی می‌کند. لذا فضای عمومی اساساً مفهومی چندوجهی و بین-الذنهانی است که در دیالکتیکی میان ادراک و فعالیت شهروندان متجلی می‌گردد [۴۳، ۱۴]. بر این مبنا فضای عمومی برساخته‌ای اجتماعی [۲۵] بوده که میزان عمومیت و موفقیت آن نسبتی مستقیم با مؤلفه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد. به تعبیر متفکرینی نظیر هانا آرنت [۴۷] و یورگن هابرماس [۷] فضای عمومی جزء و زیرمجموعه حوزه عمومی و بستر تحقق آن در ساختار کالبدی-فضایی شهر است. لذا فضای عمومی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی انسان در بستر شهر است و حفظ و استمرار آن در

فکری و پارادایمی متفاوتی را به همراه داشته و زمینه‌ساز کیفیات، ارزش‌ها و مؤلفه‌های مختلفی می‌شود که می‌بایست از نقطه نظر منحصر به خود و پایگاه روش‌شناختی خاص آن مورد مطالعه قرار گیرد. مجموعه عوامل دخیل در نسبت میان معماری و فضای عمومی شهری را می‌توان در سه بعد کلان کالبدی، اجتماعی و معنایی که در سه مقیاس مختلف عمل می‌کنند مورد خوانش قرار داد. انتظام کالبدی فضا از آنجایی که معطوف به عناصر و ساختار منطقی و روابط علت معلولی مؤلفه‌های شهری است، در قالب پارادایم اثبات‌گرایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بعد اجتماعی به نیروهای برساننده و پایگاه‌های قدرت و روابط و کنش‌های اجتماعی پرداخته که پارادایم انتقادی مهم‌ترین بستر فکری برای شناخت آن است و بعد معنایی که معطوف به تجربه زیسته مخاطب در فضا است، در ساختار پارادایمی پدیدارشناختی قرار گرفته است. خوانش کالبدی شهر سعی در فهم ارتباط میان عناصر فیزیکی دارد که در نهایت منجر به پیکره‌بندی فضا و ارتباطات میان بخش‌های مختلف فضایی از طریق مفصل‌بندی می‌شود.

نگاه به‌ویژه در سیاست‌گذاری‌های شهری تأکید ورزیدند [۵۶]. اولویت بخشیدن به نقش عمومی معماری در شهر از گفتمان-های روبه رشد سال‌های اخیر در جهان و ایران است. این نقش، در اصل نسبتی است که عنصر معماری در راستای اهداف عمومی، جمعی و مدنی شهر ایفا می‌نماید. هر کنش معمارانه باز نمودی بلند مدت در ساختار فرهنگ شهری دارد، که تنها محدود به منظر شهری نیست و همه نوع فعالیت و رفتار شهروندی را در برمی‌گیرد. بر همین مبنا معماری در نسبتی چندگانه با فضای عمومی قرار داشته که شبکه‌ای درهم‌تنیده از ابعاد تأثیرپذیری متقابل را در ساختار شهر به دنبال دارد. در جدول تحلیل ادبیات موضوع، برخی از منابعی که به بررسی این ابعاد پرداخته‌اند، آمده است. (جدول ۱) تحلیل نظرات پژوهشگران بیانگر طیف گسترده ابعادی است که در تعیین نسبت میان معماری و فضای عمومی شهری عاملیت دارند. ابعادی نظیر: محیط، کالبد، ساختار فضا، زمینه فرهنگی و اجتماعی، معانی و نمادها، و وجوه انسانی، که فهم فضایی عمومی و ارتباط آن با معماری را از طریق دریچه‌های مختلف معرفتی میسر می‌کنند. هر زاویه نگاه با خود ساختار

جدول ۱. ابعاد مختلف نسبت میان معماری و فضای عمومی شهر از نگاه پژوهشگران مختلف.

متفکر/سال	ابعاد نسب معماری و فضای عمومی شهری	مبنای خوانش
کارمونا (۲۰۱۰) [۲۷]	بعد ریخت‌شناسی، بعد ادراکی، بعد اجتماعی، بعد بصری، بعد عملکردی و بعد زمان	ابعاد طراحی
پانتر (۱۹۹۱) [۳۱]	کالبد، فعالیت و معنا	معنا بخشی و حس مکان
شیروانی (۱۹۸۵) [۲۷]	بعد کالبدی، بعد انسانی و بعد محیط طبیعی	ابعاد طراحی
گلکار (۱۳۸۵) [۳۵]	نظام فرم کالبدی، نظام حرکت و دسترسی، نظام منظر شهری، نظام کاربری و فعالیت، و نظام استخوان‌بندی فضاهای همگانی	نظام فرم شهری
ذکاوت (۱۳۹۶) [۳۲]	نظم فضایی، نظم کالبدی، نظم بصری و نظم عرصه عمومی	نظم‌های طراحی
یگانه و بمانیان (۱۳۹۴) [۳۷]	پیوستگی نمادین، پیوستگی کالبدی، پیوستگی اجتماعی، پیوستگی فضایی	هم‌پیوندی میان ساختمان و شهر
حیدری و همکاران (۱۴۰۱) [۳۶]	عوامل معنایی، عوامل اجتماعی، عوامل کالبدی، عوامل کارکردی-رفتاری	پیوستگی ساختمان و شهر
بحرینی (۱۳۸۲) [۵۷]	شکل فضایی محیط، الگوی فعالیت‌ها، کیفیت محیطی	عوامل مؤثر در طراحی
ابرقویی فرد و همکاران (۱۴۰۲) [۵۸]	اولویت بخشی به کالبد، اولویت بخشی به عملکرد، اولویت بخشی به انسان، اولویت بخشی به محیط	کارآمدی فضا
وحید بافنده و همکاران (۱۴۰۲) [۵۹]	بعد فرهنگی و اجتماعی، بعد کالبدی و عملکردی، بعد فردی و شخصیتی، بعد ساختاری و فضایی	ابعاد مؤثر در طراحی

مفهومی برآمده از نگاه سیستمی به شهر و اجزای سازنده آن است [۶۱-۶۲]. سازمان فضایی در هر تمدن شهری، از چارچوب فرهنگی نشئت می‌گیرد و بخشی از میراث سرزمینی است که مطالعه و حفاظت از آن در استمرار و امتداد یافتن معانی فرهنگی شهر، موضوعی مهم قلمداد می‌شود. این سازمان، امری ذهنی و غیرمادی است که بیان‌کننده نظام حاکم بر اجزای کالبدی شهر است، به‌نحوی که کلیت آن‌ها یک مجموعه هدفمند را تشکیل داده و هر یک نقشی مشخص در تحقق زندگی اجتماعی در بستر فضاهای شهر بر عهده داشته باشند [۱۳]. لذا کلیت هدفمند و معنای شهر، دو ویژگی اصلی سازمان فضایی هستند که موجب می‌گردد به‌جای آنکه شهر چیدمان تصادفی توده و فضا تلقی شود بر اساس روابط میان اجزا و در قالب ساختاری به نام نظام کالبدی، مورد خوانش قرار بگیرد.

نظام کالبدی شهر روابط میان اجزاء و عناصر شهری است که به‌واسطه معانی کلی شهر، رابطه میان توده و فضا را از طریق دیالکتیکی هدفمند میان آن‌ها و در پیکره‌بندی و مورفولوژی منحصر به ویژگی‌های بستر (جغرافیا و فرهنگ) متجلی می‌سازد. از این منظر، نظام کالبدی شکل منسجم شهر است که از طریق فرایند سازمان‌دهنده، واحدهای فضایی منفک را به یکدیگر مرتبط ساخته و هدف اصلی آن ایجاد کل هدفمند، یکپارچه، خوانا و معنی‌دار است [۶۳]. لذا انسجام و یکپارچگی اجزا در نظام کالبدی شهر از مهم‌ترین ارکان آن است که در رابطه مستقیمی با ساختار کل به‌جز و روح کلی شهر دارد و محصول رابطه دوسویه میان کل و جز است [۶۴].

کل همان روح حاکم بر وجوه مختلف شهر و جزء، عناصر و اجزاء شهری است. این رابطه از طریق مقیاس‌های مختلف که هرکدام لایه‌ای از نظام کالبدی شهر را می‌سازند، محقق می‌شود تا ضمن درک کلیت مفهوم شهر با حرکتی پیوسته به سمت اجزاء، جایگاه عناصر معمارانه در شهر تبیین گردد. بر همین اساس در نظام منسجم کالبدی شهر سه مقیاس: کلان، میانی و خرد موردتوجه است [۳۶]. مقیاس کلان در ساختار کالبدی شهر به شبکه فضاهای عمومی در قالب نظام توده‌ها و فضاها اشاره دارد. کالبد شهر همان بخش توده‌ای و پُر شهر است که تعیین‌کننده حدود فضاها و به‌تبع آن نحوه کنش و رفتار جامعه است [۶۴]. فضاها از طریق بخش توده تعین یافته

تمرکز اصلی این پژوهش بر روی این بعد بوده که بدان پرداخته می‌شود. بعد اجتماعی در تحلیل رابطه معماری و فضای عمومی شهری بر فهم روابط برساننده فضا از منظر تولید اجتماعی فضا ذیل حوزه دانشی اقتصاد سیاسی تأکید دارد. این دیدگاه به مکانیزیم دست‌اندازی طبقه سرمایه‌دار مسلط، بر کل جامعه از طریق محیط مصنوع و اعمال کنترل بر آن می‌پردازد [۲۴] تا به‌واسطه نشان دادن نیروها و به میانجی کنار هم نهادن عناصر فضایی به‌ظاهر جدا از هم ولی درهم‌تنیده، از دل عناصر مجزای واقعیت نگاه روتین به فضا را زیر سؤال می‌برد [۲۳]. بعد معنایی نیز که معطوف به نگاه پدیدارشناسانه است بر تجربه زیسته انسان در فضا و ادراک وی از پدیده‌های اطرافش متمرکز است [۶۰]. معنابخشی به محیط در یک ساختار تأویلی و تفسیری که همراه با خاطره است از مشخصه بارز این بعد از رابطه معماری و شهر می‌باشد. در این نگاه معانی در نظامی از تفسیر بازتولید شده و ماهیتی ذهنی دارند و به موضوعات و پدیده‌های مختلف اطلاق می‌گردند. این مواجهه اعتباری برای معانی بیرون از ذهن قائل نیست و شبکه معانی از طریق حافظه مشترک تبیین شده و به کار بسته می‌شود؛ لذا اساساً رویکردی سوژه محور است و در نقطه مقابل مواجهه اثبات‌گرای کالبدی قرار می‌گیرد. در نمودار جمع‌بندی نتایج (نمودار ۱) سه بعد اصلی در تبیین نسبت میان معماری و فضای عمومی شهری بر اساس نوع پارادایم تحلیلی، قلمرو خوانش و ساختار تحلیل آمده است.

یافته‌ها

لایه‌های نظام کالبدی شهر

فهم صحیح از شهر، اجزاء و روابط آن از طریق خوانش معانی خرد و کلان و شناخت ساختارهای شکل‌دهنده میسر می‌گردد. تجربیات نیم‌قرن اخیر مطالعه در حوزه شهر به‌ویژه در دو دهه اخیر بر این نکته صحنه گذاشته‌اند که شهر کلیتی منسجم است و می‌بایست در مواجهه با آن به شناخت این کل پرداخت. اجزای این کل منسجم در یک هماهنگی نظام‌مند با یکدیگر و با سایر وجوه شهر عمل می‌کنند؛ اما لزوماً این کلیت حاصل جمع جبری اجزاء نیست، بلکه معانی فراتر از آن، انسجام کلی و نظم بافت شهر را حفظ کرده و به‌سان روحی حاکم بر همه وجوه آن سایه می‌اندازد. در ادبیات شهرسازی از این کلیت به‌عنوان سازمان فضایی شهر یاد می‌شود که

بعد کالبدی	بعد اجتماعی	بعد معنایی
نوع پارادایم	پارادایم انتقادی	پارادایم پدیدارشناختی
قلمرو	کنش‌های اجتماعی	ادراک ذهنی مخاطب
ساختار	نیروهای برساننده فضا	شبکه معانی
پیکره‌بندی کالبدی فضا		

نمودار ۱. ابعاد مختلف خوانش رابطه معماری و فضای عمومی شهری، در سه پارادایم مجزا.

از طریق فضاهای میانی (فضای سوم) است که با هدف حفظ یکپارچگی شهر و رعایت سلسله‌مراتب دسترسی و تفکیک عملکردی، در عین درک جداگانه هر فضا، صورت می‌گیرد. این فضاها با وجود آنکه ماهیتشان وابسته به دیگر فضاهاست، خود دارای هویتی مجزا هستند. تجربه تاریخ معماری به‌ویژه در بستر فرهنگی ایران بیانگر این نکته است که بسیاری از فضاهای مفصلی مانند گشایش‌های فضایی در گذرها و مراکز محله، مکان بروز رویدادهای مهم اجتماعی بوده‌اند. در تجربیات معاصر شهر نیز بسیاری از فضاهای میانی نقش اصلی تعاملات اجتماعی را ایفا می‌نمایند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که این ارتباط صرفاً کالبدی نبوده و از وجوه ادراکی و حسی مخاطبان فضا نیز محقق می‌شود.

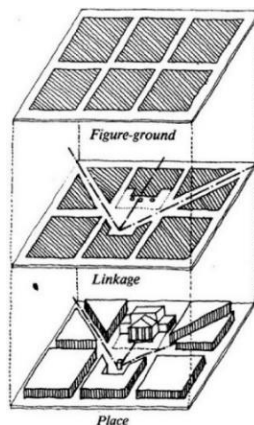
مقیاس خرد ساختار کالبدی به اجزاء، عناصر و مؤلفه‌های ساختمانی برمی‌گردد که بیشتر ماهیتی معمارانه داشته و در حوزه دانش طراحی معماری مطرح می‌گردند. معماری با نحوه چگونگی ظهور و بروز خود، نقش اصلی را در کیفیت کالبد شهر و فضاهای عمومی ایفا می‌نماید. این نقش از طریق عناصر ساختمانی، جداره‌ها و لبه‌ها و فضاهای درونی، بیرونی و میانی و ویژگی‌هایی نظیر، خط آسمان، پیوستگی و محصوریت بیشترین تأثیر را بر شکل فضاهای شهری دارد. به بیان کلی معماری جسمی است که ویژگی‌های کیفی و کمی شهر را مشخص می‌کنند [۷۱-۷۲]. بر این مبنا کیفیات کالبدی فضای عمومی شهری از طریق نقش‌آفرینی اجزاء و عناصر معماری محقق می‌شود. با توجه به هدف این پژوهش که فهم نسبت کالبدی معماری و فضای عمومی شهری است این

و مبنایی برای عمل شهروندان هستند. وجه مادی شهر باعث می‌شود که حدود و ثغور فیزیکی آن نیز با مرزهای نسبتاً قطعی معلوم باشد و به‌جای مونولوگ به دیالوگ با فضا بپردازد. این نظم همان ارتباط نقش و زمینه (شکل ۱) در شهر است که راجر ترانسیک به آن اشاره کرده است [۶۵] و بستر تحقق شبکه فضاهای عمومی در سطوح مختلف شهری را ممکن می‌سازد [۶۶]. درواقع فضاهای عمومی مانند سایر فضاهای شهری، موقعیت‌هایی منفصل از هم نیستند بلکه در منطقی مشخص که از آن با عنوان تغییر تدریجی یاد می‌شود در طیف مشخصی از سطوح شهری سازمان‌دهی می‌شوند. تغییر تدریجی در اصل سیستم طبقه‌بندی شهری است که بر اساس طیف مفهومی روستا تا شهر (شامل: روستا، حومه شهر، کلیت شهر، مرکز شهر و هسته شهر) عناصر طراحی و برنامه‌ریزی شهری را در نظم کارآمد تنظیم می‌نماید [۶۷]. (شکل ۲) این ساختار مبنای توسعه شهر است و فضاهای شهری بر مبنای آن از سطح کلان‌شهری تا خرد محله‌ای سازمان‌دهی شده و در تناسب با نیازهای شهروندان در این سطوح عمل می‌کنند. منظور از مقیاس میانی در نظام کالبدی شهر مفصل-بندی فضاهاست. مفاصل اساساً مکانیسمی در جهت تنظیم رابطه میان توده و فضا هستند که به‌وسیله فضاهای میانی و بین‌ساختمانی صورت می‌گیرد. این فضاها ماهیتاً بین فضاهای عمومی و فضای معماری قرار گرفته و ضمن ایجاد انفصال و جدایی به‌طور هم‌زمان، زمینه اتصال عرصه‌های درون و بیرون را فراهم می‌کنند [۶۸-۷۰]. به بیانی دیگر، مفصل‌بندی فرایند برقراری ارتباط (انفصال و اتصال هم‌زمان) بین شهر و معماری

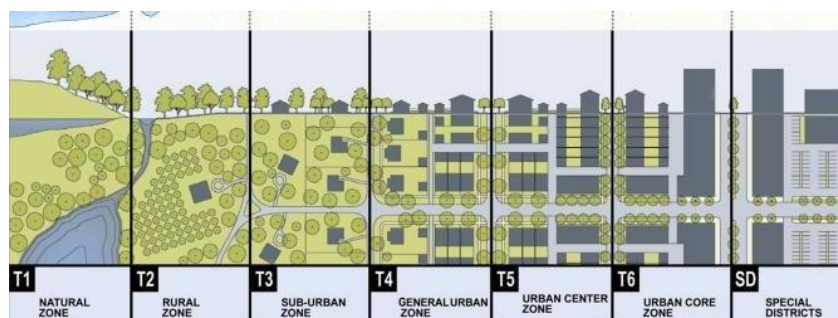
عناصر کالبدی معماری در نسبت با فضای عمومی

کالبد در کنار فضا مهم‌ترین اجزاء معماری هستند که صورت کلی آن را تعیین کرده و به سایر مؤلفه‌های معمارانه جهت می‌دهد. کالبد معماری در قالب فرم و نما، چگونگی ترکیب-بندی آن را در سیمای شهر تعیین می‌نماید. این نحوه ظهور تأثیرات مستقیمی بر کیفیت زیست شهری دارد و از مهم‌ترین نقش‌های معماری در شهر است. همان‌طور که در بخش لایه کالبدی عنوان گردید نظام کالبدی شهر در مقیاس خرد آن معطوف به نقش معماری در فضاهای عمومی شهری است. معماری از طریق عناصر فیزیکی، جداره‌های شهری ساخته‌شده و برقراری ارتباطی هم‌پیوند میان درون و بیرون، بر کیفیت کالبدی فضاهای عمومی و بسیاری از اهدافی که در ساختار فضاهای عمومی موردتوجه است نظیر: سرزندگی، اجتماع‌پذیری و همه‌شمولی، نقشی تأثیرگذار دارد. عناصر

مقیاس از نظام کالبدی شهر که در آن معماری در کیفیت کالبدی فضای عمومی نقش دارد، مدنظر می‌باشد. در نمودار ۲ سه مقیاس نظام کالبدی شهر آمده است. بر اساس تحلیل نظام‌مند صورت گرفته، می‌توان لایه‌های خوانش ساختار کالبدی شهر را بر مبنای نمودار ۳ تبیین نمود. مطابق با این نمودار، سازمان فضایی شهر که بیانگر معانی آشکار و پنهان شهر است رابطه میان اجزا را در ساختار کالبدی شهر معین می‌سازد. ساختار کالبدی نیز در سه مقیاس کلان (شبکه فضاهای عمومی شهر)، میانی (نظام مفصل‌بندی) و خرد (نظام اجزا و عناصر کالبدی) ارتباط کالبد و فضاهای عمومی شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد. درنهایت اجزا کالبدی شهر در ارتباط مستقیم با کیفیات کالبدی قرار گرفته و در مقیاس خرد آن عناصر معمارانه در تبیین کیفیت کالبدی فضای عمومی اثرگذار هستند.



شکل ۱. دیاگرام نقش-زمینه بر اساس نظریه طراحی شهری راجر ترانسیک [۶۵]



شکل ۲. مدل تغییر تدریجی که توسط نوشهرگرایان ارائه شده است. [۶۷]

معنایی نظیر هویت، خوانایی و غیره هستند. به هر روی کیفیات کالبدی فضای عمومی محصول چگونگی ظهور عناصر کالبدی شهر به‌ویژه در حوزه معماری است. با نگاهی به تحقیق‌های صورت گرفته در حوزه مطالعه فضای عمومی مجموعه‌ای از کیفیات کالبدی قابل‌شناسایی هستند. (جدول ۳) در جهت دستیابی به مدل نظری منسجم، کیفیت‌های مستخرج شده بر اساس عناصر شکل‌دهنده آن‌ها قابلیت دسته‌بندی دارند. برخی از آن‌ها در قالب روابطی که میان عناصر کالبدی برقرار می‌شود محقق می‌شوند که شامل: پیوستگی، محصوریت، تنوع، تحرک و سکون است. با توجه به قرابت کیفیت‌های تحرک و سکون در نسبت با کیفیت فرادست آن‌ها یعنی تنوع، به‌صورت یک کیفیت واحد ذیل تنوع قرار گرفته‌اند. برخی دیگر به ماهیت عناصر و ویژگی‌های خاص و منحصر آن‌ها اشاره دارند یعنی: انعطاف‌پذیری و دسترسی و نفوذپذیری، و برخی از دیگر کیفیات به شیوه سکانس بندی فضاها یعنی تضاد و تباین، توالی و سلسله‌مراتب. (نمودار ۵)

بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای مجموعه بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش مدل نظری جایگاه معماری در ارتقاء کیفیات کالبدی فضاهای عمومی شهری تبیین می‌گردد. اساس این مدل مقیاس‌های سه‌گانه موردبررسی (کلان، میانی، خرد) است که به‌واسطه آن هر کنش را در سطح خود صورت‌بندی شده و در یک پیکره‌بندی کلی قرار می‌گیرد. لذا مدل، ساختاری فرایندی دارد و با توجه به هدف پژوهش از

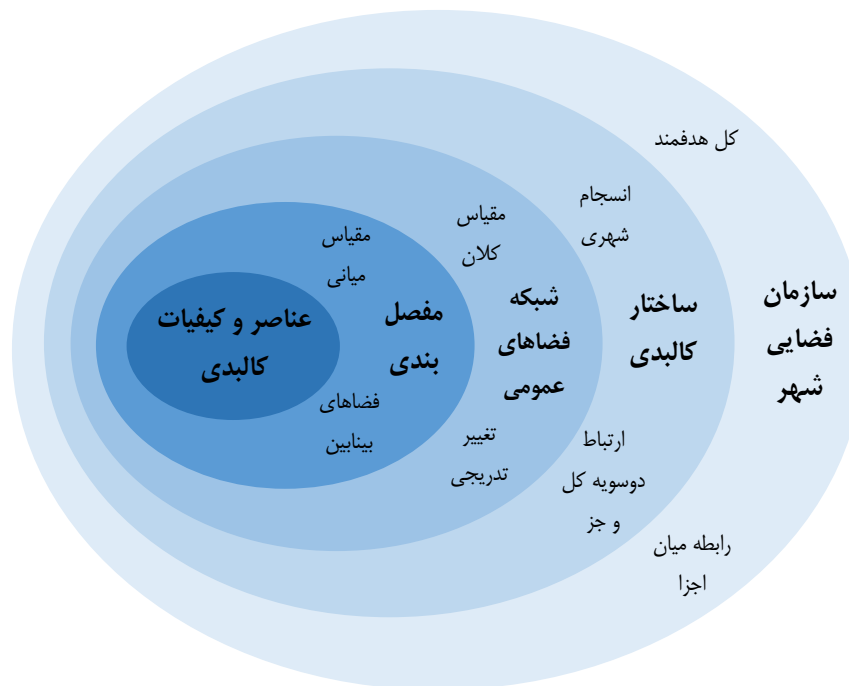
کالبدی معماری طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که جدول شماره ۲ منابع مختلفی که به این موضوع پرداخته‌اند را نشان می‌دهد. به جهت گستردگی این عناصر، در پنج مؤلفه کلان قابلیت تقسیم‌بندی دارند که شامل: پیکره (جداره، لبه و کف)، توده و فضا (تراکم، خط آسمان، شکل و زمینه) دیالکتیک درون و بیرون (گشایش، بازشو و روزنه، مرز و قلمرو و مفصل)، اندازه فضا (مقیاس تناسبات و ابعاد)، و مؤلفه‌های فضا (کاربری، مبلمان شهری، و علائم و المان‌ها) (نمودار ۴) هستند. این دسته‌بندی مجموعه عناصر معمارانه، موجب می‌گردد تا بر اساس آن ارتباط هر عنصر با کیفیت‌های مختلف در نظام کالبدی فضاهای عمومی قابلیت تبیین داشته باشد. همچنین این عناصر وجوه مختلف عمل معماری در شهر از اجزا خرد تا روابط میان این اجزا با یکدیگر و با کلیت شهر را نشان می‌دهد. (جدول ۲ و نمودار ۴)

کیفیات کالبدی فضای عمومی

ارزش‌هایی که هدف اصلی شکل‌گیری فضاهای عمومی هستند، میسر نمی‌شوند مگر به پشتوانه توجه به ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی خاص که کیفیت فضاهای عمومی را ارتقاء داده و موجب توسعه فعالیت‌های اجتماعی در شهر می‌شوند. کیفیات فضای عمومی هر کدام در نسبت با ویژگی‌های خاصی از فضا ظهور پیدا می‌کنند. برخی وابسته به هندسه فضا (ابعاد، اجزا، جایگاه، فاصله میان اجزاء، و...) هستند و برخی از مناسبات این روابط هندسی ناشی می‌گردند؛ مانند نحوه مجاورت عناصر، ترتیب آن‌ها، جدایی، محاط شدگی یا پیوستگی آن‌ها [۳۴]. این کیفیات زمینه تحقق مراحل بالاتری از کیفیات

مقیاس خرد	مقیاس میانی	مقیاس کلان
عناصر کالبدی شهر	مفصل‌بندی شهر	شبکه فضاهای عمومی
مقیاس معماری	فضاهای میانی و بینابین	ارتباط نقش و زمینه
اجزاء ساختمانی	ارتباط میان ساختمان‌ها	مدل تغییر تدریجی

نمودار ۲. سه مقیاس نظام منسجم کالبدی شهر.



نمودار ۳. مدل خوانش لایه‌های نظام کالبدی شهر در ساختار فضاهای عمومی شهر.

جدول ۲. عناصر کالبدی معماری در نسبت با فضای عمومی بر اساس تحلیل منابع مختلف.

مأخذ	عناصر کالبدی مورد اشاره در هر منبع
سرعلی و پوردیهیمی (۱۴۰۰) [۷۳]	- شکل و میزان محصوریت فضا - ویژگی‌های کف - اندازه فضا - ویژگی‌های لبه
گروتز، ۱۳۸۳ [۷۴]	- ابعاد عناصر - نوع عناصر: جنس، سطح، بافت و رنگ - موقعیت عناصر نسبت به یکدیگر - بازشوها یا گشایش‌ها
صفی یاری ۱۳۹۰ [۷۵]	- جنس و سطح - بازشوها (روزنه‌ها) - حريم - زمینه و بستر - محوطه و حوزه - منظره و چشم‌انداز
لنگ، ۱۹۹۴ [۲۴]	- کاربری فضا - جنس عناصر فضا - ابعاد فضا - رابطه شکل و زمینه
شیروانی، ۱۹۸۵ [۲۶]	- کاربری زمین - شکل و توده ساختمان، - فضای باز، - علائم و تابلوها
گل، ۲۰۱۱ [۲۱]	- لبه - تورفتگی - جداره - فعالیت
پاکزاد (۱۳۸۵) [۳۳]	- کف - سقف - بدنه - اجزاء مستقر در فضا
دانش‌پایه و همکاران (۱۳۹۶) [۷۶]	- فضای سبز - تراکم کالبدی - خط آسمان - مقیاس انسانی - مصالح ساختمانی - دامنه طراحی

پیکره	توده و فضا	دیالکتیک درون و بیرون	اندازه فضا	مؤلفه‌های فضا
جداره	تراکم	گشایش	مقیاس	کاربری
لبه	خط آسمان	بازشو و روزنه	تناسبات	مبلمان شهری
کف	شکل و زمینه	مرز و قلمرو مفصل	ابعاد	علائم و المان‌ها

نمودار ۴. دسته‌بندی عناصر کالبدی معماری مرتبط با فضای عمومی شهری.

جدول ۳. کیفیات کالبدی فضاهای عمومی که ارتباط مستقیم با نقش‌آفرینی مؤلفه معماری در شهر دارند.

مؤلفه	منابع	تعاریف
دسترسی و نفوذپذیری	کار [۷۷]، تیبالدز [۳۰]، گل [۲۱]، لینچ [۷۸]، پاکزاد [۳۳]، شجاعی و پروین [۵۳]	- پذیرا بودن و دستیابی آسان و تأثیر بر حضور مردم در فضا بدون توجه به ویژگی‌های فردی عابر و عاری از موانع - سهولت و امنیت پیاده و ایجاد شرایط مطلوب برای حرکت و درنگ کردن در فضا
سلسله‌مراتب	پاکزاد [۳۴]، طبیبیان [۷۹]	- برقراری ارتباط بین قلمروها و پدیده‌های متضاد با توجه به شرایط روانی و کالبدی مطلوب - سکانس‌بندی مسیر و ریتم همخوان فعالیت‌ها با کالبد مستقر در بدنه
توالی	گل [۲۱]، چپمن [۸۰]، غفاری [۸۱]	- توالی معابر از طریق مسیرهای کوتاه از فضایی به فضای دیگر و مراحل قابل کنترل به‌جای مسیر مستقیم و طولانی جهت ایجاد ادراکات متفاوت در عابر بیننده - خلق کنتراست فضایی در طی فضاهای شهری و ایجاد تقابل مابین فضای کوچک و بزرگ می‌شود
تضاد و تباین	توسلی [۸۲]، پاکزاد [۳۳]، ارباب‌زادگان هاشمی [۸۳]	- خصوصیات متفاوت فضاها از نظر عرض، طول و ارتفاع، و اجزاء و عناصر محصورکننده جهت کاهش یکنواختی و تفکیک پدیده‌های مجاور هم و ایجاد محیط شهری جالب و سرزنده. - به‌کارگیری و ترکیب رنگ، بافت، شکل و سبک، سازه و مصالح و... اجزا آن در فضا
انعطاف فضایی	استقلال و همکاران [۸۴]، پاکزاد [۳۴]	- پاسخگویی فضاهای شهری به شیوه‌های جدید زندگی، وجود فرهنگ‌ها و ارزش‌های متفاوت و نیز تنوع در نگرش‌ها و بیان آن‌ها - انعطاف فضا در تغییر نوع رویداد و با کمترین تغییر کالبدی، و ایجاد امکان هماهنگی در محیط.
پیوستگی	یگانه و بمانیان [۳۷]، اسمعیلیان و پورجعفر [۶۶]	- وجود تصویری خوانا، داشتن الگوهای قابل تشخیصی از بلوک‌ها و فضاهای شهری، همراهی شکل و محتوا و ترکیب توده و فضا جهت انتظام ذهنی و درک کلیت فضا - هماهنگی اجزاء به‌صورت یک کل منسجم به سبب ارتقاء کیفیت زیست در آن
محصوریت	محمدزاده و همکاران [۸۵]، پاکزاد [۳۴]، توسلی [۸۲]	- محصوریت احساس قرارگیری انسان در داخل یک فضای تعریف‌شده و تنگی و گشودگی فضاها - آغازگر فضا و نخستین اصل حاکم در طراحی مکان‌های شهری
تحرك و تنوع	پاکزاد [۳۳]، تیبالدز [۳۰]	- محصول خوانایی بافت، نحوه حرکت و وجود محرک‌های مختلف در مسیر جهت ایجاد احساس پویایی برای شهروندان - خارج شدن از حالت جابه‌جایی صرف به‌واسطه تنوع نظام بناها و کاربری‌ها و ارتباط ذهن ناظر با محیط
سکون	پاکزاد [۳۳]، گل [۲۱]	- بروز برخی از رفتارها و فعالیت‌های جمعی و فردی از طریق کاستن سرعت عابر پیاده و تبدیل مسیر به مقصد و فضای تأمل - القای حس سکون با امکاناتی نظیر نشستن، حضورپذیری، استراحت، آرامش ذهنی، مشاهده رویدادها و کیفیات محلی.

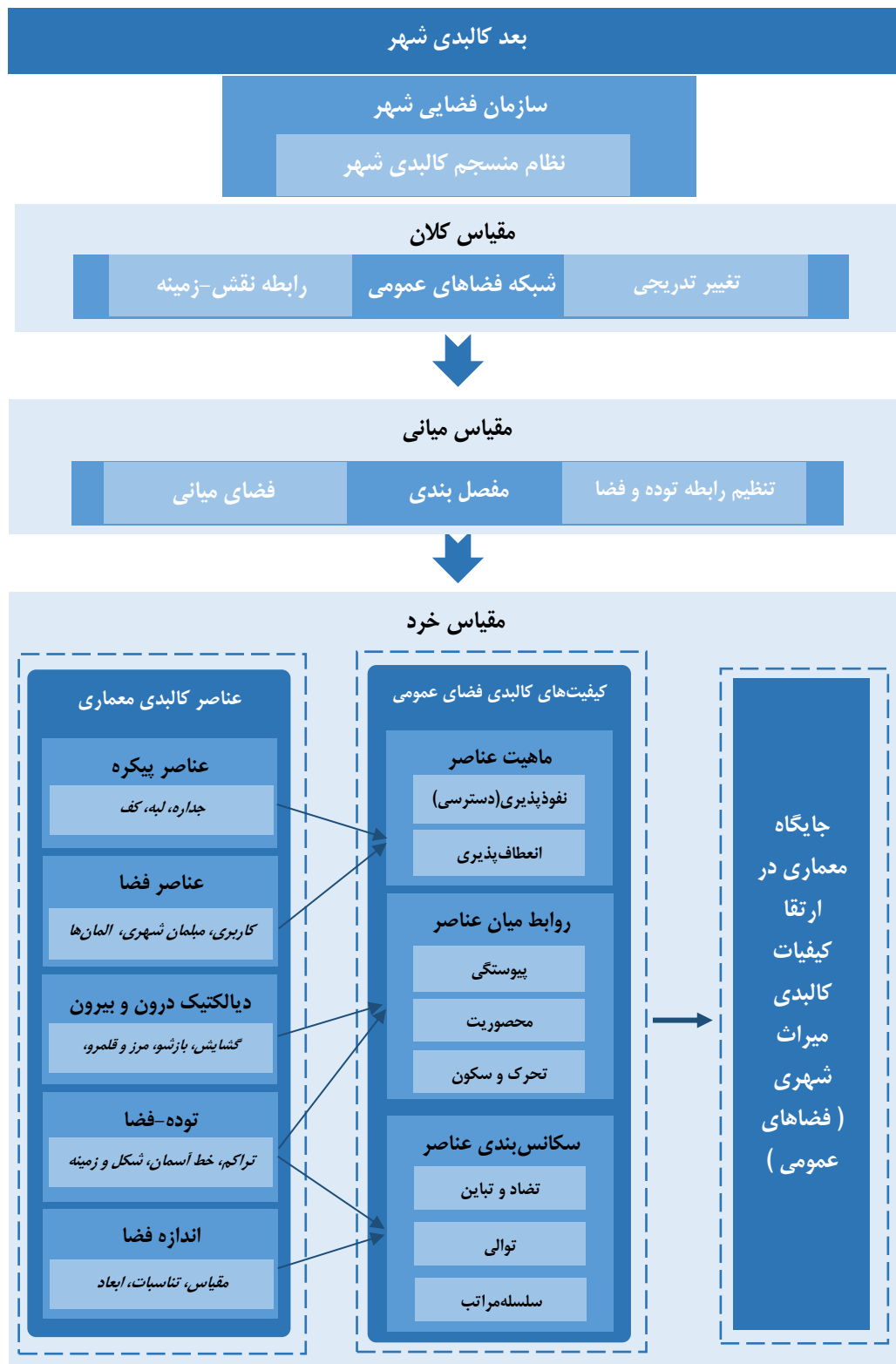


نمودار ۵. دسته‌بندی کیفیات کالبدی فضاهای عمومی شهری براساس روابط مان عناصر فضا.

بوده صورت گرفته است و جامعیت آن وابسته به تزریق دو وجه دیگر یعنی ابعاد معنایی و اجتماعی در خوانش شهر است. نمودار طراحی شده، بیانگر مدل نظری مطروحه است. (نمودار ۶)

حفظ میراث شهری فضای عمومی در روزگار کنونی بدل به موضوعی حائز اهمیت شده است؛ چراکه هرروز بعد عمومی این فضاهای شهری کمرنگ شده و به بار اقتصادی و تجاری آن افزوده می‌گردد. مالکیت خصوصی و تملک فضای شهری به نفع گروه‌هایی خاص در حال گسترش بوده و اهمیت نظام بازگشت سرمایه و تأمین منابع مالی موردنیاز در مدیریت شهری، موجب تغییر نگاه به فضاهای عمومی در بسیاری از شهرهای ایران شده است. باوجودآنکه در جامعه آکادمیک و بحث‌های نظری بر اهمیت فضای عمومی تأکید می‌شود اما در عمل آنچه محرز است تملک بخشی به این فضاها از طریق عاملیت معماری و طراحی شهری است. لذا توجه به فضاهای عمومی به‌ویژه آن بخش که مربوط به میراث شهری معاصر بوده و تجربه زیست اجتماعی در یک قرن اخیر را به همراه دارد اهمیت دوچندان می‌یابد. معماری که اساساً پدیده‌ای شهری است از طریق ساختمان‌ها و المان‌های شهری به‌عنوان مهم‌ترین شکل فیزیکی فضای عمومی هم در تحقق بخشی به استمرار حافظه شهری از میراث معماری معاصر اثرگذار است و هم تقویت بعد عمومی این قبیل فضاها را به دنبال دارد. خلاً این طرز نگرش موجب برخورد جزئی‌نگر و منفک منجر شده، شهر شکل منسجم خود را از دست داده و بدل به فضاهایی چندپاره و گسسته می‌گردد؛ درصورتی‌که میراث معاصر شهر،

کل به سمت جز حرکت می‌کند. در فرایند این مدل نظری، کالبد شهر بر اساس سازمان فضایی و نظامی منسجم تعریف می‌شود و مقیاس کلان آن شبکه فضاهای عمومی شهری است که از طریق رابطه نقش-زمینه و بر مبنای تغییر تدریجی خوانش می‌شود. مقیاس میانی ساختار مفصل‌بندی بر مبنای فضاهای میانی است که مکانیزمی در جهت تنظیم رابطه میان توده و فضا در این سطح می‌باشد. درنهایت مقیاس خرد که بخش مربوط به فهم جایگاه معماری در تبیین کیفیت کالبدی فضای عمومی شهری است و ارتباط بین عناصر کالبدی معمارانه شهر با هر کدام از کیفیت‌های کالبدی فضای عمومی در آن می‌بایست مشخص گردد. بر این اساس عناصر کالبدی مربوط به دسته پیکره و فضا از آنجایی که هر کدام بر چگونگی فضای پدید آمده متمرکز هستند، به کیفیت‌های ذیل دسته ماهیت عناصر ارتباط پیدا می‌کنند. عناصر دسته‌های دیالکتیک درون و بیرون، و توده و فضا که اساساً ارتباطی دوسویه میان دو مؤلفه مجزا (توده و فضا، و درون و بیرون) برقرار می‌سازند در تعیین کیفیات دسته روابط میان عناصر نقش دارند. عناصر دسته توده و فضا که دیالکتیکی پیوسته در تعیین کالبد و فضای شهر است به جهت آنکه وضعیت کلی نسب معماری و شهر را تعیین می‌کند به‌عنوان عناصری مشترک به همراه عناصر دسته اندازه فضا بر کیفیات سکانس-بندی فضای عمومی مؤثر هستند. زمانی که از موضوعی به نام کیفیت صحبت به میان می‌آید، ماهیت نسبی آن امری غیرقابل انکار است، لذا مدل‌هایی نظیر آنچه در این پژوهش ارائه می‌گردد عملاً از زاویه نگاهی که منحصر به این پژوهش



نمودار ۶. مدل نظری تبیین جایگاه معماری در ارتقاء کیفیات کالبدی میراث شهری معاصر (فضاهای عمومی).

در ذهن مخاطبان و شهروندان به‌مثابه مجموعه‌ای هم‌پیوند بوده که زندگی شهری در لایه‌های مختلف آن جاری می‌گردد. از دیگر سو در دوران مدرن معماری غالباً پدیده منفک از بستر تلقی شده و بیشتر توجه به فضاهای درون و شاخصه‌های حجمی و ظاهری آن بوده است. بر همین اساس معماری در مقام نظمی کالبدی-عملکردی، پیش از آنکه پرکتیسی خلاقانه در مسیر توسعه مرزهای خود باشد، برهمکنشی توازن یافته از هم‌نشینی با مفهومی فراتر یعنی زمینه شهری است. معماری از طریق عناصر کالبدی بر ارتقا کیفیت فضای عمومی مؤثر بوده و زمینه حضور گسترده شهروندان و کنش‌پذیری این فضاها را به طرق مختلف فراهم می‌کند. بر اساس نتایج این پژوهش معماری از طریق پنج دسته کلی عناصر کالبدی یعنی: عناصر پیکره، عناصر فضا، دیالکتیک درون و بیرون، توده و فضا و اندازه فضا بر سه دسته کلی از کیفیات کالبدی فضای عمومی شامل کیفیات مربوط به ماهیت عناصر، روابط میان عناصر و سکانس‌بندی عناصر نقش شهری خود را ایفا نموده و می‌تواند زمینه ارتقاء کیفیت کالبدی فضای عمومی را فراهم کند، تا با توجه به دو بعد دیگر خوانش رابطه

معماری و شهر یعنی اجتماعی و معنایی این ارتباط در یک شاکله هم‌پیوند بر بهبود زیست شهری معاصر و حفظ میراث معاصر شهری نقشی مؤثر ایفا نماید.

به بیان کلی میراث معماری معاصر و میراث شهری معاصر در ارتباطی پیوسته با یکدیگر به هویت فرهنگی-اجتماعی شکل داده و از مشخصه‌های اصلی تمدن معاصر هر کشور هستند. از این رو جامعه معماران و شهرسازان کشور، ضروری است تا با عنایت به نتایج این دست از پژوهش‌ها اهمیت نقش فعالیت‌های خرد خود را بر کلیت منسجم شهر در نظر گرفته و با نگاهی مسئولانه و دغدغه‌مند به کنش طراحانه در شهر بپردازند.

پیشنهاد پژوهش‌های آتی: این پژوهش سعی داشته است مدلی نظری از جایگاه معماری در کیفیت کالبدی فضاهای عمومی را تبیین نماید از این رو نیاز است تا نتایج این تحقیق که در قالب مدل ارائه شده است در نمونه‌های موردی مختلف سنجیده شده تا ضمن واکاوی جامعیت آن در نمونه‌های مختلف، وضعیت نقش شهری معماری در موقعیت‌های متنوع با ویژگی‌های فرهنگی متفاوت به محک آزمون گذاشته شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول، با عنوان «تبیین نسبت نظری-عملی معماری و فضای عمومی شهری در ایران» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه خاتم تهران در حال انجام است.

تأییدیه‌های اخلاقی

موردی گزارش نشده است.

تعارض منافع

موردی گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله و منابع مالی

نویسنده اول، پژوهشگر و نگارنده اصلی، ایده پرداز، انجام مطالعات، تدوین محتوا و فرایند تحقیق با سهم ۶۰٪، نویسنده دوم: پژوهشگر همکار، نظارت بر فرایند تحقیق و کنترل نتایج با سهم ۲۰٪، نویسنده سوم: پژوهشگر همکار، راهنمای روش‌شناسی، کنترل کیفیت نتایج و فرایند تحقیق با سهم ۲۰٪.

References

1. Pourzargar M, Abedini H, and Etemadi A. The Contribution of "Street" Component in the Process of Modernization and the Development of Tehran Case Study: The Lalehzar Street. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2020; 17(91): 5-16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.219365.4461>
2. Zamanifard H, Alizadeh T, and Bosman C. Towards a framework of public space governance, *Cities*, (2018); 78: 155-165. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.02.010>
3. Rezadoost Dezfuli R, Mehrakizadeh M. and Safar Ali Najar B. Bazazzadeh, H. Mahdavinejad, M. Geometric investigation of entrance proportions of houses from the Qajar to the beginning of the early Pahlavi in Dezful City (1789–1979), *Frontiers of Architectural Research*. 2024; 13(1): 57-78. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2023.09.007>.
4. Bolandian M M, and Naseri S. Urban Concept Of Civil Discourse In The Public Arena Heuristic Approach, The Baths And Town Halls. 2014; 13 (36): 269-298 URL: <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-445-fa.html>
5. Karimian H, and Mousavinia S M. The Agora and its Cultural–Social Relations in Classical Athens. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2013; 10(24): 13-26. https://www.bagh-sj.com/article_2689.html
6. Asadi H, and Abedini H. Studying the Impact of Multi-Functional Architectural Approaches on Adaptive Reuse of the Industrial Architecture Heritage of Tehran City. *Urban Environmental Planning and Development*, 2023; 1:105-124. <https://doi.org/10.30495/juepd.2023.1983361.1173>
7. Habermas, J. *The structural transformation of the public sphere: An inquiry into a category of bourgeois society*. Massachusetts: MIT Press, 1991.
8. Imani N, and Arab Solghar N. The Conceptual Framework of Civic Landscape. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2020; 17(88): 51-60. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.198639.4267>
9. Cherfaoui D. and Djelal N. Assessing the flexibility of public squares the case of Grande Poste square in Algiers, *Cities*, 2019; 93: 164-176, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.04.017>.
10. Ghanbari A, and Eshlaghi M. Geographical Approach to the Promise and Reality of Urban Public Spaces with Emphasis on the Role of Ideologies. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2022; 19(112): 5-24. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.284275.4878>
11. Mansouri R, Afrasiabian S. Reunderstanding modern heritage of Tehran to contribute to urban

- identity in architecture and planning. *Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2024; 13 (4): 147-180. <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-73872-en.html>
12. Zandieh M, Mahdavinejad M. Post-Corona Design: Lessons from the impact of COVID-19 on the presence of elderly in the urban community spaces. *Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2023; 12 (4):1-21 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-63454-fa.html>
13. Mansouri S, Mohammadzadeh, S. The Changes of Tabriz Spatial Organization from Early Islamic Era to Gajar Era. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2018; 14(51): 21-32. https://www.bagh-sj.com/article_49425.html?lang=en
14. Abedini H, and Ayvazian S. An Analysis of the Position of Historical Passages in the Structure of Public Urban Spaces (Case Study: Dar-Khoungah Passage, Tehran). *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 2022; 14(59): 74-87. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.299343.2146>
15. Bahrami F, and Atashinbar M. Evolution of the Urban Landscape of Hamedān during First Pahlavi Era; Impacts of Piercing Streets on the City Center. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2020; 16(81): 5-14. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.185773.4113>
16. Mehan A. Manifestation of Modernity in Iranian Public Squares: Baharestan Square (1826-1978). *International Journal of Heritage Architecture*. 2016; 1 (3): 411-420 <http://dx.doi.org/10.2495/HA-V1-N3-411-420>
17. Ghobadian V, and Rezaei M. The First Modern Square in Tehran City (Historical and Spatial Evolution of Old Tehran Squares until Modern Age). *Human Geography Research*, 2013; 45(4): 177-196. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2013.36142>
18. Trancik R. Finding lost space. New York: Van Nostrand Reinhold, 1986.
19. Rowe C. Collage City. London: Routledge, 1975.
20. Hedman R. Fundamentals of Urban Design. London: Routledge, 1999.
21. gehl Y. Life Between Buildings: Using Public Space. Washington D. C.: Island Press, 2011.
22. Khani S, Hashempour P, Keynejad M A, and Mirgholami, M. Improving Everyday Life Considering the Distant and Nearby Aspects of Architecture. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2021; 18(96): 17-28. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.237177.4582>
23. Dadashpour H, and Yazdanian A. How to Read the Space? From Phenomenological To the Critical Reading of Space. *Urban Planning Knowledge*, 2019; 3(2): 1-14. <https://doi.org/10.22124/upk.2019.14084.1266>
24. Toghræi A, Ranjbar, E, and Varij Kazemi A. Clarifying the Place of Urban Public Space in Two Concepts of Cultural Consumption and Social Production of Space. *Urban Planning Knowledge*, 2022; 6(2): 101-130. <https://doi.org/10.22124/upk.2022.20824.1692>
25. Habibi M, and Barzegar S. The Criteria for 'Rhythmanalysis' of Everyday Life in Social Production of Urban Space Based on Research Experiments. *Soffeh*, 2018; 28(2): 47-64. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100436.html
26. Shirvani H. Urban Design Process. Chicago: University of Illinois Press, 1985.
27. Carmona M. Public Places, Urban Spaces. Oxford: Architectural Press, 2010.
28. Carmona M. and Tiesdell, S. Urban Design Reader. Oxford: Architectural Press, 2007.
29. Lang J. Urban Design. London: Routledge, 1994.
30. Tibbalds F. Making People-Friendly Towns Improving the Public Environment in Towns and Cities. London: Routledge, 2000.
31. Punter V. Participation in the Design of Urban Space. *Landscape Design*, 1991; 200: 24-27.
32. Zekavat K. Constructive dimensions of environmental quality in urban design. Tehran: Shahid Beheshti University Publication, 2017.

33. Pakzad J. Theoretical and Urban Design Process. Tehran: Shahidi (Ministry of Housing and Urban Development), 2006.
34. Pakzad J. An Introduction to Spatial Qualities for Designers. Tehran: Armanshahr, 2020.
35. Golkar K. Creating Sustainable Place. Tehran: Shahid Beheshti University. 2014
36. Heidari M, Malekafzali A A, and Mirmightadaee M. Explaining the Concept of the Immanent Connection of the Building and the City; Towards a Non-Institutional Architecture. *Urban Design Discourse: A Review of Contemporary Literatures and Theories* 2022; 3 (4): 74-91. URL: <http://udd.modares.ac.ir/article-40-63848-fa.html>
37. Yeganeh M, and Bemanian M R. Analysis of the continuity of the masses and public space in the city. 2015; 14 (39): 407-428 URL: <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-471-fa.html>
38. Yeganeh M. Conceptual and theoretical model of integrity between buildings and city, *Sustainable Cities and Society*, 2020; 59: 102205. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2020.102205>.
39. Sarmad Z. Bazargan A. and Hejazi E. *Research Methodology in Behavioral Sciences*. Tehran: Agah Publication, 2018.
40. Mohammadpour A. *Method for Method; On the Structure of Knowledge in Humanities*. Tehran: Logos, 2023.
41. Yeganeh M. Kamalizadeh M. Territorial behaviors and integration between buildings and city in urban public spaces of Iran's metropolises, *Frontiers of Architectural Research*, 2018; 7 (4): 588-599. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2018.06.004>
42. Haas T, Mehaffy M. Introduction, *The Future of Public Space*. URBAN DESIGN International, 2019; 24(1): 75.
43. Pourzargar M, Abedini H. Reading the Hidden Geometry in the Historic City and the Impact of Modern Evolution on It; Case Study: Sabzeh-Meydan, Tehran. *Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2020; 10 (3) :231-238 URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-43327-fa.html>
44. Mahdavinejad M. High-performance Architecture; Reframing Future of Iranian Architecture. Tehran: Tarbiat Modares University Press, 2019.
45. Naderi H, Hanachi P, and Mazaherian H. A Framework for the Assessment Process of Contemporary Architectural Heritage and its Investigation in Iranian Heritage. *Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2023; 13(1):123-14. Available at: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-63992-fa.html>
46. Madanipour A. *Public and Private Space of the City*. 2003. London: Routledge.
47. Teerds H. The space between an architectural examination of Hannah Arendt's notions of 'public space' and 'world'. *The Journal of Architecture*, 2022; 27: 757-777. <https://doi.org/10.1080/13602365.2022.2137557>
48. Ashrafi Y, Pourahmad A, Rahnemaie M. T, and Rafieian M. Conceptualization and typology of contemporary urban public space. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 2014; 2(4): 435-464. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2014.53590>
49. Madanipour A. Rethinking public space: between rhetoric and reality. *Urban Design International*, 2019; 24: 38-46. <https://link.springer.com/article/10.1057/s41289-019-00087-5>
50. Abarghouei Fard H, and Mansouri S A. Motalebi, G. Narrative Review of Pertinent Theories on 'Public Space' in Cities. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2023; 19(116): 85-102. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.376257.5305>
51. Hanaei G, Diba D, and Abedini H. (2021). The Spatial Representation of Power Tolerance in Isfahan City during the Safavid Era (Case study: Allahverdikhan Bridge). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 18(98), 21-32. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.246983.4655>
52. Cao J, and Kang J. Social relationships and patterns of use in urban public spaces in China and the United Kingdom. *Cities*, 2019; 93: 188- 196. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.05.003>

53. Shojaei D, and Partovi P. Analysis of Factors Affecting the Creation and Promotion of Sociability in Public Spaces in Different Scales of Tehran City (Case studies: Two Neighborhoods and an Area in District 7 Tehran). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*; 2015; 12(34): 93-108. https://www.bagh-sj.com/article_11093_en.html
54. Izadpanah M, and Habibi M. An Analysis of the Conflicts of Tehran's Large-Scale Shopping Centers from the Public Interest Perspective. *Armanshahr Architecture and Urban Development*, 2021; 14(35): 257-274. <https://doi.org/10.22034/aaud.2020.218130.2107>
55. Latifi M, Mahdaviinejad MJ, Pimenta Do Vale C, and Iannaccone G. Asymmetric Symmetry: An Analytical Framework of Hidden Mathematics in Isfahan's Valuable Qajar Houses; A Video-ecology Approach. *Armanshahr Architecture and Urban Development*, 2023; 16(44): 15-27. https://www.armanshahrjournal.com/article_183484.html
56. Daneshmandi M, Tizghalam Zonouzi S, and Mirshahzadeh S. Investigation and analysis of the state of contemporization of contemporary buildings (1941 to 1966) in Tehran. *Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2024; 14 (1) :90-108. <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-71071-en.html>
57. Bahreyni H. Urban Design Process. Tehran: University of Tehran Press, 2003.
58. Abarghouei Fard H, Motalebi G, and Mansouri S A. A Theory of Good Form of Public Space» A Critical Review of the Criteria for the Formation of Efficient Public Space. *Bagh-e Nazar*, 2023; 20(121): 37-54. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.382820.5325>
59. Vahid Bafandeh M, Vahid Bafandeh M, and Imani Shamloo J. Identifying the Dimensions and Components Affecting the Formation of Desirable Urban Spaces for Women by Using the Meta-Analysis Method. *Woman in Development and Politics*, 2023; 21(4): 975-998. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.355914.1008320>
60. Abdolkarimi Komleh H, Zabihi H, and Daneshjoo K. Explanation of the Criteria for the Influence of the Hermeneutic Phenomenology of Place on the Architectural Design Process. *Kimiya-yr-Honar*. Available at: <http://kimiahonar.ir/article-1-2193-fa.html>
61. Abarghouei Fard H, and Mansouri S A. Reviewing the Constituent Components of the Spatial Organization of Iranian City after Islam in the 9th–14th AH Travelogues. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 2021; 13(55): 20-29. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.240065.2070>
62. Mansouri S A, and Hemmati M. An Evaluation of Persian-speaking researchers' Description and Interpretations of the Spatial Organization of Cities. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2021; 17(92): 5-18. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.214720.4421>
63. Hakimian P, and Lak A. Exploration of Physical Integration of Historical Bazaar in Iranian Cities A Comparative Study of Historical Bazaars in Kerman and Shiraz. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 2019; 11(23): 111-130. <https://doi.org/10.30480/aup.2019.717>
64. Rahmani F, and Nourmohammadzad H A. Comparison between the Components of Meaning Structure and the Physique Structure in Yazd historical urban context. *Motaleate Shahri*, 2019; 8(31): 109-125. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_61136.html
65. Lak A, and Hakimian P. A New Morphological Approach to Iranian Bazaar: The Application of Urban Spatial Design Theories to Shiraz and Kerman Bazaars. *Journal of Architectural Conservation*, 2018; 24 (3): 207–23. <https://doi.org/10.1080/13556207.2018.1543821>
66. Esmailian S. and Pourjafar M R. Finding Main Factors that Effect on Creating of network urban spaces in Historic Texture of Iran. Case Study: Isfahan, Dardasht. *Urban Management*, 2013; 11(31): 65-82.
67. Alalhesabi M. Behzadfar M, and Amirhodaei E. Evaluation of middle-scale urban form in accordance with transect as a theory and approach. *Hoviatshahr*, 2017; 11(3): 55-72.

68. <https://sanad.iau.ir/journal/hoviatshahr/Article/11388?jid=11388>
69. Nouri E. Interconnection spaces, a solution to architectural sustainability. *Journal of Architectural Thought*, 2021; 5(9): 120-134. <https://doi.org/10.30479/at.2020.12115.1388>
70. Lee K. The Interior Experience of Architecture: An Emotional Connection between Space and the Body. *Buildings*. 2022; 12(3):326. <https://doi.org/10.3390/buildings12030326>
71. Attarabbasi Z, Eynifar A, Forotan M, and Soroush M. Investigating the mechanism of the void's physical-semantic effect on social interactions. *Haft Hesar J Environ Stud*, 2020; 9 (33): 43-62. URL: <http://hafthesar.iauh.ac.ir/article-۱-۱۱۲۴-fa.html>
72. Falahat M S, and Shahidi S. The Role of Mass - Space Concept in Explaining the Architectural Place. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2015; 12(35): 27-38. https://www.bagh-sj.com/article_11715.html
73. Pourzargar M, and Abedini H. Explaining the Components of Contemporization and Quality Improvement of Emamzadeh Saleh's (AS) Adjacent Texture. *Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2020;10(1):63-74. URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-۲-۴۱۱۶۸-fa.html>
74. Serr-e 'Ali R, and Pour-Deihimi S. A Theoretical Model for Neighborhood Studies in Residential Environments. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 2022; 10(20): 239-258. <https://doi.org/10.22052/jias.2022.245691.0>
75. Grutter, J k. Ästhetik der Architektur. Translated by Pakzad, J and Homayun, A. Tehran: Shahid Beheshti University, 2004.
76. Safiyari S. The Impressionability of Architectural Place by Space and Environment, M.A. Thesis In Art and Architectural Science, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, 2011
77. Daneshpayeh N, H, F. The main factors affecting the formation of a sense of place in the new urban development zones (Case Study: Region No.22 and Region No.4 of Tehran Municipality). *Motaleate Shahri*, 2018; 7(25): 17-30.
78. Carr S. Some Criteria for Environmental form. In S. Kaplan and R. Kaplan (Eds.). *Humanscape: Environments for People*, Ann Arbor. USA: Ulrich's Books, 1982.
79. Lynch, K. A Theory of Good City Form. Cambridge, MA: MIT Press, 1981.
80. Tabibian M, Charbgo N. Abdolahimehr, E. The Principle of Hierarchy Reflection in Islamic Iranian Cities. *Armanshahr*, 2012; 4(7): 63-76. https://www.armsanshahrjournal.com/article_32683.html
81. Chapman D. (2015). *Creating Neighborhoods and Places in the Built Environment* (Sh. Faryadi and M. Tabibian, Trans.). Tehran: University of Tehran.
82. Ghaffari A. Fundamentals of Designing consecutive spaces in city architecture. *Soffeh*, 1992; 4: 2-17.
83. Tavassoli M. Ghava'ed va me'yar-ha-ye tarahi-ye faza-ye shahri [Urban space design criteria]. Tehran: University of Tehran Press, 2016.
84. Arbabzadegan Hashemi S A. and Ranjbar E. Reconsidering Contrast for Enhancing Visual Diversity in Urban Public Spaces, Case Study: Baharestan Square, Tehran. *Armanshahr*, 2010; 2(3): 49-56. https://www.armsanshahrjournal.com/article_32591_en.html
85. Esteghlal A, Ardeshiri M and Etesam I. Explaining indices of flexible urban space design using Delphi model. *International Journal of Urban and Rural Management*, 2017; 15 (45): 239-264. URL: <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-1427-fa.html>
86. Mohammadzade S, Ghasemi M, Norozi M, and Nikpor M. Identification and Analysis of Factors Improving Social Life in Urban Public Spaces with Focus on Enclosure and Sociability. *JHRE*, 2021; 40 (173) :33-48 URL: <http://jhre.ir/article-1-2062-fa.html>